

بررسی باستان‌شناختی منطقه میمک، استان ایلام

دکتر تحت‌دارابی*، نازلی نیازی**، مسافینی*** و اردشیر خوانم‌زاده*

* عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه.

** دانش‌آموخته کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

چکیده

منطقه میمک در جنوب غربی استان ایلام و در همجواری منطقه مندلی عراق قرار گرفته است، تاکنون هیچ گونه مطالعات باستان‌شناسی در این منطقه انجام نگرفته بود، تا اینکه بالاخره این بررسی در اسفند ماه ۱۳۸۹ انجام یافت که به شناسایی ۱۳ محوطه منجر گردید. بر اساس مطالعات انجام شده بر روی یافته‌های سطحی، چهار محوطه به دوران پیش از تاریخ، یک محوطه به آغاز تاریخی، چهار محوطه به دوره تاریخی و چهار محوطه نیز به دوران متأخر منتسب گشته‌اند. محوطه‌های پیش از تاریخی حاوی بقایای پارینه سنگی قدیم، میانی و احتمالاً جدید و نیز دوره‌های سامرا، انتقالی چغامامی و عبید ۴-۲ هستند، اما بقایای آغاز تاریخی معرف دوره‌های اروک جدید و جم‌دت نصر هستند، همچنین آثاری از دوره‌های تاریخی عیلام قدیم تا میانه و اشکانی ساسانی به دست آمده است؛ البته محوطه مربوط به آغاز تاریخی دارای بقایای عیلام قدیم نیز بوده و لذا بر تعداد محوطه‌های تاریخی می‌افزاید. یافته‌های دوران متأخر هم مشتمل بر بقایای استقرارهای کوچ‌نشین هستند. این نوشتار به توصیف یافته‌ها و تحلیل نتایج این بررسی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: میمک، بررسی باستان‌شناسی، پارینه سنگی، مس سنگی، آغاز نگارش، دوران تاریخی، استقرارهای فصلی.

درآمد

آغاچاری (فارس بالایی) است، که قدمت سازند اول به دوره میوسن و سازند دوم به اواخر میوسن و دوره پلیوسن، از دوران سوم زمین‌شناسی، برمی‌گردد (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۳۵)؛ اما به نظر می‌رسد تراس‌های رودخانه‌ای در دوره چهارم زمین‌شناسی شکل گرفته که مهمترین آنها مربوط به رودخانه خوش (گذار خوش) است. خاک منطقه نیز اغلب متشکل از لیتوسل و مارنهای نمکی و گچی با مقداری پلاکت‌های نمک بوده و برای کشاورزی مناسب نیست؛ به همین دلیل کشاورزی تنها در تراس

منطقه میمک در فاصله تقریبی ۲۵ کیلومتری غرب شهر صالح آباد در شمال‌غربی شهرستان مهران و حدود ۴۰ کیلومتری جنوب غربی شهر ایلام واقع شده که از طرف غرب هم مرز با کشور عراق است (شکل ۱ و شکل رنگی ۱). از نظر زمین‌ریخت‌شناسی، میمک عمدتاً متشکل از تپه ماهورهای مارنی، نیز کوه‌های گچ‌مربوط به دو سازند گچساران (فارس پایینی) و

(سیف پناهی، ۱۳۸۴). در منطقه مجاور میمک در داخل خاک عراق نیز پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام یافته است، به طوری که طی بررسی‌های سال ۱۹۶۶ م. اوتس در منطقه مندلی محوطه‌هایی از دوره پیش از تاریخ شناسایی شد (Oates, 1968). اما همان طوری که ذکر شد، منطقه میمک طی این بررسی برای اولین بار مورد مطالعات باستان‌شناسی قرار گرفته است.

اهداف و روش بررسی

بررسی باستان‌شناسی منطقه میمک در اسفندماه سال ۱۳۸۸ به انجام رسید. اهداف اصلی این بررسی، شناسایی محوطه‌ها، بناها و یا هر اثر فرهنگی دیگر جهت تهیه نقشه باستان‌شناسی این منطقه در راستای تدوین نقشه باستان‌شناسی استان ایلام، نیز مطالعه آثار شناسایی شده جهت تعیین گاهنگاری نسبی آنها بود. جهت دستیابی به اهداف مذکور، دو روش بررسی فشرده و گام به گام و نیز استفاده از راهنمایی ساکنان محلی به کار رفته است. بررسی فشرده در مناطقی مانند حاشیه رودخانه‌ها و مناطق با قابلیت بیشتر شکل‌گیری استقرارها انجام یافته است؛ از روش دوم نیز در مناطقی که از قابلیت کمتری برخوردار بوده، استفاده شده که اغلب مربوط به نوار غربی و مرزی حوزه بررسی می‌شود که متشکل از تپه ماهورهای مارنی و گچی است. اما مهمترین مشکل در شناسایی آثار منطقه میمک به مانند دیگر مناطق مرزی غرب و جنوب غرب کشور، وجود بقایای خطرناک جنگ تحمیلی است. این موضوع در این بررسی تأثیر زیادی داشت زیرا منطقه مورد بررسی به دلیل اهمیت نظامی، همواره مورد مناقشه ایران و عراق بوده است و طبق قرارداد ۱۹۷۵ مرز مشترک ایران و عراق در نظر گرفته شد، تا اینکه با حمله عراق در ۱۳۵۹/۶/۲۴ اشغال شد و نهایتاً در دیماه این سال آزاد شد (فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان ایلام، ۱۳۸۶). بنابراین در بررسی‌های خطرناک و آلوده، از راهنمایی و کمک نیروهای انتظامی هنگ مرزی استفاده شده است. در هنگام شناسایی هر نوع اثر فرهنگی ابتدا مختصات جغرافیایی (به روش UTM) و ارتفاع آن از سطح دریا اندازه‌گیری شده و پس از تهیه کروکی، مشخصات ظاهری اثر و نیز عوارض طبیعی پیرامونی آن ثبت گشته است. نمونه برداری به روش تصادفی

و پیرامون رودخانه گدار خوش در سطحی محدود امکان‌پذیر است و قسمت اعظم منطقه به عنوان چراگاه زمستانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در واقع حوزه بررسی تنها خود منطقه میمک نیست، بلکه یک گستره مکانی است با مساحت تقریبی ۳۰۰ کیلومتر مربع، که به صورت طولی و با جهت شمال‌غربی - جنوب شرقی در امتداد مرز عراق را شامل می‌شود. این گستره طولی حد فاصل دو رودخانه تلخاب (در حد شمال‌غربی)، و چم سرخ (در حد جنوب شرقی و در منطقه داریکوان) را در بر گرفته که از غرب به مرز عراق و از شرق نیز به کوه‌های گچ، نخلستان سرنی و کوه خلیفه محدود شده است. اگر چه این منطقه برای اولین بار بررسی باستان‌شناسی شده است، اما مناطق پیرامونی آن تاکنون بارها مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفته‌اند؛ به طوریکه که در دشت مهران اولین فصل از بررسی‌های باستان‌شناسی به سرپرستی مرحوم علیمحمد خلیلیان انجام یافت که منجر به شناسایی محوطه‌ها و آثار دوره‌های مختلف شد (خلیلیان، ۱۳۷۵)؛ این بررسی‌ها در سال ۱۳۷۷ دوباره توسط جبرئیل نوکنده از سر گرفته شد؛ وی نیز محوطه‌ها و آثار دوره‌های مختلف را شناسایی کرد که قدیمترین آنان محوطه‌ای از دوره پارینه سنگی با نام امرمردگ (Amar Merdeg) در شمال شهر مهران است (Biglari et al., 2000; Nokandeh, 2010). در منطقه امیرآباد نیز در پی بررسی‌های باستان‌شناسی خلیلیان و نوکنده، محوطه چگاخالامان (چغاگلان) در سال ۱۳۷۹ تعیین حریم شد (نوکنده، ۱۳۸۱) که البته اخیراً این محوطه توسط محسن زیدی گمانه زنی شده است (زیدی، گفتگوی شخصی ۱۳۸۹). اما در منطقه صالح آباد بررسی‌های باستان‌شناسی در سال ۱۳۸۴ به سرپرستی مژگان سیف پناهی با هدف شناسایی محوطه و آثار آن انجام گرفته که بر اساس گزارش موجود، محوطه‌ها و آثاری از دوره مفرغ تا اسلامی شناسایی و ثبت گشته است

۱- در فروردین ماه سال ۱۳۸۹، بررسی باستان‌شناختی پیش از تاریخ دشت مهران توسط حجت دارابی و اردشیر جوانمردزاده انجام یافت که به شناسایی ۳۶ محوطه از پارینه سنگی تا آغاز نگارش منجر گشت. همچنین در این راستا در پاییز همین سال محوطه چغاآهوان توسط جوانمردزاده مورد گمانه زنی قرار گرفت که نتایج این پژوهشها به زودی منتشر می‌شوند.

ای گسترده نزدیک به ده هکتار است که تراکم آنها در برخی قسمت‌ها مانند بخش غربی بیشتر است؛ در واقع در میان قلوه سنگهای پراکنده، که عمدتاً از سنگ چرت هستند، نمونه‌های متعددی به چشم می‌خورد که به عنوان سنگ مادر (Core)، سنگ مادر - ابزار (Core-tool) و یا ساطور - ابزار (Chopping Tool) مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ همچنین نمونه‌هایی از تراشه‌های اولیه کورتکس دار نیز در بین آنها وجود دارد که نشانگر فعالیت تولید ابزار در این محوطه هستند. در اغلب نمونه‌ها، قلوه سنگ‌ها به طور ساده از یک یا دو سمت ضربه خورده و قسمتی از آنها برداشت شده است (شکل ۲). تکنیک تولید ابزار بسیار ساده و ابتدایی به نظر می‌رسد و از شباهت بالایی با مد ۱ ابزارسازی در دنیای قدیم برخوردار است. برخی از ساطور - ابزارها دارای لایه‌ای از رسوب زنگار و یا پتینه بوده و برخی نیز به مرور زمان آنقدر فرسایش یافته که سکوی ضربه در آنها به سختی مشهود است. به طور کلی ساطورها، ساطور - ابزارها و نیز تراشه‌های بزرگ از مشخصه‌های صنعت ابزارسازی اوایل پلیستوسن در دنیای قدیم هستند (Solecki, 1985:103). با توجه به وجود رودخانه تنگه تاریکه در کناره غربی و نیز شاخه‌ای که از کناره شرقی محوطه به این رودخانه متصل می‌شود، به نظر می‌رسد دسترسی به آب به همراه وفور قلوه سنگهای چرت با قابلیت تولید ابزار در بستر این رودخانه‌ها، مهمترین عوامل شکل‌گیری این محوطه به مانند دیگر محوطه‌های دوره پارینه سنگی بوده‌اند (Biglari & Shidrang, 2006: 160). تراکم و پراکنش مصنوعات سنگی که اغلب قلوه سنگ‌های آزمایش شده و تراشه‌های حاصل هستند، بالاست. نبود ابزارهای شاخص دوره پارینه سنگی قدیم مانند شکافنده (Cleaver) و ابزارهای دو رویه (Bifacial Tools) در این محوطه، احتمالاً ناشی از کمیت پایین نمونه برداری بوده است. با این وجود، تراکم قلوه سنگهای چرت آزمایش شده، ساطور - ابزارها و نیز تراشه‌های بزرگ از جمله مصنوعات هستند که در این دوره زمانی قابل بحث هستند. ساطورها و ساطور - ابزارها در بیشتر دوره‌های پارینه سنگی یافت می‌شوند، اما تراکم آنها در اوایل و اواخر پارینه سنگی بالاتر است (Solecki, 1985). به هر ترتیب از نظر فن آوری

بوده و سعی شده تا جامع و مانع باشد، به طوری که تا حد امکان جهت ارائه تاریخگذاری نسبی مفید واقع شود. در این بررسی از علامت اختصاری Mm استفاده شده که نمایانگر میمک است. آثار شناسایی شده نیز بعد از علامت مذکور از شماره 001 شروع گشته که بر اساس تعداد آنها عدد مذکور نیز افزایش یافته است. در مطالعه یافته‌های به دست آمده، حداکثر تلاش بر آن بوده تا با مقایسه نمونه‌ها با محوطه‌های شاخص دیگر، تاریخ نسبی آنان مشخص شود؛ اما چنانچه نمونه‌ای شاخص جهت مقایسه و تاریخگذاری یافت نشده، بر اساس بقیه یافته‌های هر محوطه، تاریخی همزمان و مشابه برای آن نیز پیشنهاد شده که البته این امر منوط به وجود شواهدی از این دوره بر روی محوطه مورد نظر بوده است.

دوره‌های فرهنگی شناسایی شده

هر چند مشکلات جدی ناشی از خطرات به جای مانده از دوران جنگ، مهمترین عامل محدود کننده و مانع در سر راه بررسی جامع و تمام عیار منطقه میمک به شمار می‌رفت، در نتیجه بررسی باستان‌شناسی آن ۱۳ محوطه شناسایی و ثبت گردید؛ از این تعداد چهار محوطه به دوران پیش از تاریخ (پارینه سنگی تا اواخر مس سنگی)، یک محوطه به دوره آغاز تاریخی (اروک جدید تا عیلام قدیم)، چهار محوطه به دوران تاریخی (عیلام قدیم تا میانه، اشکانی و ساسانی) و چهار محوطه نیز به استقرارهای کوچ‌نشین (احتمالاً متأخر) منتسب گشته‌اند.

الف) دوران پیش از تاریخ

طی بررسی چهار محوطه با بقایای پیش از تاریخی شناسایی شد که از این میان دو محوطه خرمیدان (Mm008) و تنگه تاریکه (Mm009) دارای آثار پارینه سنگی و دو محوطه گلم زرد (Mm006) و گُر چگا (Mm007) نیز حاوی یافته‌های منسوب به دوره مس سنگی هستند. محوطه خرمیدان (Khar Meid n) چسبیده به کناره شرقی رودخانه تنگه تاریکه و در حدود ۶۵۰ متری شرق پل ارتباطی جاده خاکی به طرف شور شیرین، بر روی یک برجستگی طبیعی واقع شده است (تصویر ۱). با توجه به بررسی‌های سطحی، پراکندگی مصنوعات سنگی در محدوده

میان صنایع سنگی جمع آوری شده از سطح این محوطه دو نمونه اسکنه (Burin) نیز شناسایی شده که تاریخی مربوط به پارینه سنگی جدید را هم به ذهن متبادر می‌سازد (Debenath & Dibble, 1994: 96). به طور کلی مصنوعات سنگی محوطه تنگه تاریکه از نظر تکنیک تولید و نیز گونه شناسی از شباهت هایی با محوطه های پارینه سنگی مناطق بلند زاگرس مرکزی مانند هلیلان (Mortensen, 1993) و پناهگاه ورواسی (Dibble & Holdaway, 1993) و غار بیستون (Dibble, 1984) در کرمانشاه برخوردار هستند.

پس از محوطه های فوق، قدیمی ترین بقایای پیش از تاریخی منطقه میمک به اواسط هزاره ششم ق.م. می رسد و متأسفانه محوطه ای که حاوی یافته های فراپارینه سنگی و یا نوسنگی باشد، شناسایی نشده است. در مقایسه با دیگر دوره های شناسایی شده، دوره مس سنگی منطقه به مراتب از غنای بهتری برخوردار است. نظر به شباهت بالای فرهنگی یافته های این دوره با داده های منتشر شده از بین النهرین، در گاهنگاری محوطه ها از اصطلاحات رایج آن استفاده شده است. محوطه های شناسایی شده مربوط به دوره مس سنگی عبارتند از: گِلم زرد (Golem Zard) و گر چگا (Garr-e Chega).

محوطه گِلم زرد در حدود ۴۰۰ متری شرق جاده خاکی تنگه تاریکه و حدود ۳۵۰ متری شمال رودخانه شورآب در کناره شرقی و شمالی یک برجستگی طبیعی مخروطی شکل قرار دارد که کناره شرقی آن را یک آبراهه مشخص کرده است. متأسفانه تمام سطح محوطه شخم زده شده و این امر باعث تخریب نهشته های فرهنگی آن گردیده است. به نظر می رسد ضخامت نهشته های فرهنگی و استقراری به بیش از یک متر نرسد که البته با تداوم تخریبات، محوطه با خطر جدی روبروست. یافته های سطحی محوطه را قطعات سفالی، ادوات و صنایع سنگی تشکیل می دهند. در بین یافته ها، یک درپوش از گل پخته وجود دارد که در سطح رویی آن یک گودی به عنوان دستگیره ایجاد شده است. همچنین صنایع سنگی محوطه عمدتاً مبتنی بر تولید تراشه هستند و در سطح یک نمونه هاون سنگی نیز شناسایی گشت. بقایای معماری هم از لاشه سنگ هایی است که در برخی نقاط محوطه کاملاً مشهود است. امروزه سطح

تولید و گونه شناسی، وجود ساطور - ابزارها و سنگ مادر - ساطورها (Core-Chopper) می تواند محوطه را در چارچوب زمانی پارینه سنگی قدیم جای دهد (Bar-Yosef & Goren, 1993). این گونه ابزارها، در محوطه امرمردگ که در فاصله ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی محوطه مورد بحث در دشت مهران واقع شده و منتسب به پارینه سنگی قدیم است نیز وجود دارند (Biglari et al., 2000; Biglari & Shidrang, 2006). همچنین بررسیهای دره هلیلان نیز وجود ساطور - ابزارها را در محوطه پل باریک (Pal-e Barik) نشان می دهند (Mortensen, 1993). وجود محوطه های پارینه سنگی قدیم در این مناطق هنگامی پراهمیت جلوه می کند که از منطقه جنوب غرب ایران به عنوان یکی از مسیرهای ورود انسان نماها به ایران یاد شده است (Rolland, 2001).

اما محوطه تنگه تاریکه (Tangeh Tarikeh) که در کناره شمال غربی رودخانه تنگه تاریکه قبل از ورود رود به تنگه و حدود ۳۰۰ متری جنوب جاده خاکی شورشیرین، در دامنه جنوبی یک برجستگی طبیعی مخروطی شکل قرار دارد. حاوی مصنوعاتی در سطح خود است که می توانند در دوره میانی و حتی جدید پارینه سنگی جای گیرند. هر چند در نقطه اشراف محوطه بر تراس رودخانه صنایع سنگی از قبیل سنگ مادر، ساطور - ابزار و عمدتاً تراشه رتوش شده به دست آمد، اما از نظر گونه شناسی، بیشترین ابزارها را انواع خراشنده جانبی (Side Scraper)، دو سویه (Double-side Scraper)، متقارب (Convergent Scraper) و جانبی - انتهایی (End-side Scraper) تشکیل می دهند (شکل ۳). گرچه این ابزارها به خودی خود نمی توانند از جمله شاخصه های چندان قوی و محکم برای دوره ای خاص به شمار روند، اما وفور آنها در یک محوطه قابل توجه است. بر این اساس، نمود بالای خراشنده های جانبی از شاخصه های پارینه سنگی میانی است (بیگلری و حیدری، ۱۳۸۴: ۱۶). علاوه بر این، برخی از ابزارها مانند یک نمونه تیغه و نیز تراشه نشان از تکنیک لوالوایی دارند. این تکنیک مشتمل بر برداشت تراشه هایی از حاشیه سنگ مادر به طرف مرکز آن است (Andrefsky, 1998: 144) و معمولاً تراشه ها دارای آثار برداشتهای قبلی بر روی خود هستند. در

بطوریکه بخشهایی از دامنه آن در اثر تخریب ناشی از کشاورزی تسطیح شده است (تصویر ۲). حفاریهای غیر مجاز متعددی نیز در قسمت فوقانی آن دیده می‌شود. در غرب و شرق تپه دو آبراهه وجود دارد که در جنوب آن به هم پیوسته و به رودخانه شورآب می‌ریزند. آبراهه شرقی بخشی از شرق محوطه را شسته و از بین برده، لذا قطعات سفالی ناشی از این امر قابل مشاهده است. در بخش شمالی نیز آثار و بقایای سکونت امروزی کوچ نشینان دامپرور بوضوح مشهود است. بر سطح و نیز در برش ناشی از حفاریهای غیرمجاز، بقایای معماری سنگی دیده می‌شود. علاوه بر سفال، دو نمونه سنگ ساب و تعدادی مصنوعات سنگی در سطح محوطه شناسایی شد که البته مصنوعات سنگی عمدتاً مبتنی بر تولید تراشه‌اند. طی بررسی، قطعات سفالی نخودی ظریف ساده و منقوش، قرمز ساده و منقوش، و نخودی و قرمز خشن و پوک به همراه تعداد محدودی از قطعات سفالهای خاکستری و ارغوانی رنگ به دست آمد. برخی از سفالها نیز دارای نقوش اغلب هندسی سیاه یا قهوه ای بر سطح بیرونی و درونی هستند. همچنین یک نمونه سفال قرمز با نقوش هندسی و با ماده چسباننده گیاهی شناسایی شد. تراکم سفالهای خشن و پوک ساده بیشتر در قسمت غربی و پایین تپه و سفالهای ظریف و نخودی منقوش در قسمت فوقانی از نسبت بیشتری برخوردار هستند. بررسی و مطالعه یافته های سفالی نشان داد که گرجگا حاوی بقایای مرتبط با دوره سامرا، انتقالی چغامامی (CMT) و عبید (۲ تا ۴) است. از بین سفالهای جمع آوری شده، ۱۰ قطعه منسوب به فرهنگ سامرا است که با خمیره صورتی، ماده چسباننده، پوشش گلی بر دو طرف و نقوش هندسی به رنگ های سیاه و قهوه ای تیره به خوبی قابل تشخیص است (شکل ۵؛ جدول ۲). به عنوان مثال بر روی یکی از این سفالها باندهای مورب زیر باندی بر لبه با فاصله ترسیم شده است. بر درون نیز ترکیبی از خطوط مورب و جناغی در داخل یک مثلث آویزان که زیر باند روی لبه قرار گرفته و قابل مقایسه با نمونه هایی از دو محوطه چغامامی و سربیک در منطقه مندلی است (Oates, 1968: plate VII). نیز یک قطعه سفال منتسب به دوره ی انتقالی چغامامی شاخص است (شکل ۵: شماره ۲۳) که با خطوط مورب موازی به رنگ سیاه در هر دو

محوطه و پیرامون آن توسط جوامع دامپرور و کوچروی منطقه جهت سکونت مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر چه یافتن نقوش کاملاً مشابه جهت مقایسه و دوره بندی سفالهای محوطه بسیار مشکل است، اما بافت سفالها و گرامر نقوش مهمترین شاخصه گاهنگاری نسبی آنها به شمار می‌روند؛ بر این اساس، سفال های جمع آوری شده از سطح محوطه گلم زرد بقایای فرهنگ های سامرا و عبید (۲ تا ۴) را نشان می‌دهند (Oats & Oats, 1968, Pl: VII; Perkins, 1949, Fig. 11, No. 14). طرحهای تزئینی سفالهای فرهنگ سامرا به رنگ سیاه، قهوه ای بر زمینه نخودی (مایل به سبز) و صورتی هستند. سفال ها دارای خمیره ای با ورز مناسب، پوشش گلی به رنگ خمیره و ماده چسباننده ماسه بادی متوسط (۱×۱ میلی‌متر) هستند، به طوری که این دانه ها را به رنگ خاکستری روشن تا تیره در مقطع سفال ها می‌توان دید. نقوش ترسیمی بر روی این سفالها اغلب شامل نوارهایی بر روی لبه و نقوش هندسی مانند مثلث های آویزان و ردیف لوزی هایی که با نوارهای نازک پر شده، هستند؛ همچنین در برخی نمونه ها نوار پهنی بر روی شانه ظروف سفالی (تغار یا خمره کوچک) رسم شده است که دو نوار نازک بر روی آن دیده می‌شود (شکل ۴؛ جدول ۱). طرحهای تزئینی سفالهای فرهنگ عبید (۲ تا ۴) به رنگ تیره، قهوه ای و گاهی مایل به قرمز بر زمینه صورتی یا نخودی (مایل به سبز) است (مجیدزاده، ۱۳۷۸: ۴۵). از مشخصه های تکنیکی سفال های منسوب به فرهنگ عبید نقوش منفی است که گاه در اثر تراکم نقش بر سطح سفال به وجود آمده اند؛ اما در این میان می‌توان گفت که مهمترین نمود و شاخصه وجود نوارهای پهن در قسمت فوقانی و یا زیر یا روی لبه ظروف است (Perkins, 1949:76). به طور کلی نوارهای ساده عمودی، پلکانی، مثلثهای هاشوردار و خطوط موج عمودی و افقی رایج ترین نقوش دوره عبید به شمار می‌روند؛ اما از نظر بافت و رنگ خمیره نیز سفال عبید قابل توجه است و به علت حرارت بیش از حد در کوره، رنگ آن مایل به سبز شده است (مجیدزاده، ۱۳۷۸: ۴۷).

گرجگا تپه ای با ارتفاع ۱۰ متر نسبت به زمینهای اطراف است که در حدود ۱۰۰۰ متری شرق جاده خاکی تنگه تاریکه قرار دارد. اطراف محوطه را زمینهای کشاورزی احاطه کرده اند،

مندلی به دهلران می‌داند و معتقد است که این مردم قبل از مهاجرت با کشت آبی آشنا بوده‌اند (هول، ۱۳۸۱: ۶۹؛ Hole, 1977). لازمه صحت این فرض، آشنایی مردمان مهاجر با فنون کشاورزی آبیاری است و اینکه بتوان ردپایی از این مهاجرت را حد فاصل بین دو دشت مندلی و دهلران یافت.^۲ مطالعات باستان‌شناسی و گیاه باستان‌شناسی حاکی از آن است که در محوطه های دوره سامرا مانند سوان و چغامامی کشت آبی رایج بوده است. نکته اینکه محوطه گرچگا در جایی واقع شده که امروزه بهترین زمینهای قابل کشت آبی منطقه در اطراف آن قرار دارند و در سه طرف آن منابع آبی وجود دارد. پس اگر بخواهیم ارتباطی مستقیم بین زمینهای قابل کشت آبی و شکل گیری استقرار دوره سامرا و انتقالی چغامامی در این محوطه برقرار نماییم، بیراهه نرفته ایم. با توجه به انتخاب مجدد محوطه های قبلی جهت استقرار در دوره عیید، به نظر می‌رسد که زمینهای قابل کشت در این دوره نیز از اهمیت بالایی برخوردار بوده زیرا داده های سفالی، علیرغم تعداد کمشان، به خوبی تداوم فرهنگ تا دوران عیید ۴ را نشان می‌دهند.

بنابراین از آنجایی که تمام این ویژگیها در سفالهای دو محوطه مذکور دیده می‌شوند می‌توان گفت که همه نهشته های استقراری گرچگا و گلم زرد مربوط به فرهنگ سامره و عیید (۲ تا ۴) هستند. شواهد نفوذ فرهنگ عیید به مناطق مرتفع زاگرس مرکزی قبلاً به خوبی بحث شده است (Abdi, 2003; Henrickson, 1985; Levine & Young 1975; 1987). این دوره زمانی همزمان با شروع تخصصی دامپروری مبتنی بر کوچ نشینی در زاگرس مرکزی است. الیزابت هنریکسون معتقد است که رشد کوچ نشینی در مناطق بلند زاگرس نتیجه ترکیب فرایندهای مرتبط تغییرات محیطی و اجتماعی بوده که عمدتاً در نیمه دوم دوره مس سنگی رخ داده است (Henrickson, 1985: 40; Haerincx & Overlaet 1996) و احتمالاً این الگوی معیشتی بر پراکنش و گسترش فرهنگ عیید ۴ یا عیید پایانی از مناطق پست بین النهرین به مناطق بلند زاگرس مرکزی تأثیری مستقیم گذاشته که منطقه

سطح بیرون و درون، شباهت کاملی را با نمونه های معرفی شده از چغامامی به دست می‌دهد (Oates, 1968: Plate XII, No. 3 & 5; Hole, 1977, Pl. 40; Oats & Oats, 1968, Pl. VIII; Perkins, 1949, Fig. 10). همچنین قطعه سفال های منسوب به فرهنگ عیید (۲ تا ۴) به وضوح قابل مشاهده هستند. خمیره این سفال ها خوب ورز داده شده و از ماده چسباننده ماسه بادی نرم و خمیره نخودی و صورتی رنگ برخوردارند. همچنین پوشش غلیظ به رنگ نخودی و صورتی و نیز پوشش رقیق نخودی دارند که با نقوش هندسی و انسانی به رنگ سیاه و قهوه ای تزیین شده‌اند. در یک نمونه از این سفال ها، بخشی از یک نقش مسبک انسانی وجود دارد که قبلاً از جنوب بین النهرین نیز گزارش شده است (Perkins, 1949: 85, No.14). از دیگر موتیف های منسوب به فرهنگ عیید (۲ تا ۴) می‌توان به نوارها و خطوط پهن زیگزاگی، موتیف های هندسی، نوارهای پهن بر لبه کاسه های بزرگ، نقوش مسبک پرندگان بین هاشور و نوارهای پهن، اشاره کرد (شکل ۶؛ جدول ۳). از نکات جالب توجه در مورد سفال های منسوب به دوره عیید ۴، وجود دو نمونه مشابه سفالهای معروف به دوره ی دالما- عیید در زاگرس مرکزی با همان ویژگی های ظاهری و تکنیکی است؛ ویژگی اصلی این سفالها طرح نقوش مشابه سفال های مناطق پست بین النهرین بر سفال های قرمز روشن و پوشش رقیق نخودی است که گونه غالب سفالی در این دوره در مناطق بلند زاگرس مرکزی است. از داده های مهم مرتبط با اهمیت اداری در این محوطه می‌توان به وجود یک میخ سفالی با ویژگی های فرهنگ عیید (۲-۴) اشاره کرد (McCormick Adams Jr & Nissen, 1972: 210).

با توجه به آنچه که در بالا آمد، وجود شواهد مرتبط با دوره انتقالی چغامامی که خود ادامه فرهنگ سامراست، در این منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا نمونه هایی از دشت دهلران نیز شناسایی شده‌اند که به عنوان معرف پایان دوره روستانشینی آغازین و شروع دوره روستانشینی قدیم بوده و مصادف با تغییر در اقتصاد و معیشت مانند شروع کشاورزی آبی و اهلی شدن گاو، نیز افزایش شمار محوطه های این فرهنگ است. فرانک هول این امر را در نتیجه مهاجرت مردم از منطقه

۲- شایان ذکر است که طی بررسی های دشت مهران نمونه سفالهای انتقالی چغامامی به دست آمده است.

میمک در حد فاصل آنها قرار دارد.

(ب) دوره آغاز تاریخی (آغاز نگارش)

بقایای مربوط به اواخر هزاره چهارم و هزاره سوم پیش از میلاد تنها از یک محوطه شناسایی شده که با نام گدار خوش (God r Khosh) یا Mm010 ثبت شده است. این محوطه در کناره شمالی رودخانه گدار خوش و حدود ۷۵۰ متری غرب پل شهدای میمک، روی تپه ای طبیعی با ارتفاع ۱۱ متر نسبت به سطح جاده آسفالته واقع شده است (تصویر ۳). محدوده شمالی تا غرب محوطه به وسیله آبراهه ای که بستر خود را شدیداً عمیق نموده و موجب تخریب قسمتی از آن نیز شده، مشخص است. بر روی برجستگی ذکر شده، بقایای معماری از لاشه سنگ به چشم می خورد که در برخی از قسمتهای محوطه، هنوز به صورت منظم و در بافت اولیه و اصلی خود در سطح کاملاً مشهود است. سفالها شامل نخودی ساده با ماده چسباننده گیاهی و دست ساز، نخودی ساده با ماده چسباننده شن و ماسه و چرخ ساز و سفالهای قرمز رنگ ساده با ماده چسباننده گیاهی و دست ساز و نیز با ماده چسباننده ماسه بادی و چرخ ساز هستند. از جمله شاخص ترین سفالها، کاسه های لبه وارپخته اند که از نسبت بالایی برخوردار بوده و نه تنها در اغلب محوطه های هزاره چهارم مناطق غرب و جنوب غرب ایران دیده می شوند، بلکه از برخی از محوطه های این دوره در دیگر مناطق ایران مانند شمال مرکزی، زاگرس جنوبی و جنوب شرق ایران هم یافت شده اند (Potts 2009). سفالهای لوله دار، سفالهای با نقش شیارهای کننده متقاطع با دسته های دماغی شکل، لبه های برگشته و یا با بدنه های زاویه دار به همراه یک نمونه با بدنه راست، کف تخت و لبه برجسته با تزیینات برجسته فشار انگشتی (سینی سفالی) شاخص ترین سفالهای جمع آوری شده به شمار می روند (شماره های ۷-۱۲، ۴-۹، ۱۹-۲۲، ۱۴-۲۱ در شکل ۷ و جدول ۴). این سفالها شاخصه نیمه دوم هزاره چهارم بوده و از گودین V (Badler, 2002) در زاگرس مرکزی تا فرخ آباد در دهلران (Wright, 1981) و دشت شوشان (Delogaz & Kantor, 1996) به وفور یافت شده اند. علاوه بر سفال، قطعه ای از یک کاسه سنگی نیز به دست آمد که مانند نمونه های معرفی شده

منتسب به نیمه دوم هزاره چهارم پ. م در منطقه است (Delogaz & Kantor, 1996, 29). صنایع سنگی سطحی محوطه عمدتاً مبتنی بر تولید تراشه ابزار بوده و از سنگ چرت در ابزارسازی استفاده شده است. یافته های سفالی نشان می دهد که این محوطه در اواخر هزاره چهارم (اوروک جدید/ جمدمت نصر) مسکونی شده و احتمالاً پس از یک وقفه کوتاه، در دوره عیلام قدیم دوباره مسکونی شده است. گفتنی است در شرق محوطه گدار خوش گورهایی نیز شناسایی شد که با یک ردیف سنگ چین به شکل مدور یا بیضی مشخص شده اند که البته یافته ای جهت تاریخگذاری نسبی آنها به دست نیامد، هر چند احتمال دارد همزمان با محوطه باشند.

(پ) دوران تاریخی

علاوه بر بقایای به دست آمده از گدار خوش، طی بررسی باستان‌شناسی منطقه میمک چهار محوطه دیگر از دوره عیلام قدیم تا میانه و اشکانی- ساسانی گردید. این محوطه ها عبارتند از: پاسگاه دژبانی میمک (Mm004)، سراب سرنی (Mm011) نیزار I (Mm012) و نیزار II (Mm013). مشخصات سفالهای دوره عیلام قدیم (شماره های ۱-۳، ۸، ۱۷-۲۰، ۱۳، ۲۳) به دست آمده از محوطه گدار خوش در جدول شماره ۴ آمده است؛ لبه های برجسته، به بیرون برگشته و سفالهای پایه دار از جمله نمونه های شخص این محوطه به شمار می روند (شکل ۷؛ جدول ۴).

در میان محوطه های جدید، شواهد فرهنگی قابل توجهی از محوطه پاسگاه دژبانی میمک شناسایی شده است. این محوطه بر روی یک برجستگی طبیعی طولی به ارتفاع ۳۰ متر در حدود ۴۰۰ متری شرق رودخانه گدار خوش و ۲۰۰ متری جنوب پاسگاه دژبانی جاده آسفالته میمک قرار دارد. همچنین جاده خاکی تنگه تاریکه از پای این برجستگی می گذرد. در سطح این برجستگی بقایای معماری لاشه سنگی به همراه قطعات سفالی قابل مشاهده است. پراکندگی بقایای معماری و نیز سفالها عمدتاً ناشی از تخریبات وارد شده به محوطه در اثر کندن سنگر و کانال در زمان جنگ تحمیلی در قسمت فوقانی است. همچنین در برخی قسمتها آثار حفاریهای غیرمجاز به صورت صورت

منطقه داریکوان از روستای ریکای بخش صالح آباد در جهت جنوب بوده که نهایتاً از وسط این محوطه ها می گذرد و قبل از تنگه تمام می شود. محوطه شرقی (نیزار I) بر روی یک برجستگی به ارتفاع بین ۲-۵ متر قرار گرفته و بقایای معماری سنگ چین در سطح آن مشهود است. تراکم قطعات سفالی این محوطه کم بوده و در دو طیف نخودی و قرمز ساده با ماده چسباننده شن هستند.

محوطه نیزار II نیز در کناره غربی نیزار و در فاصله حدود ۷۰ متری شمالغرب محوطه نیزار I قرار گرفته است. سطح محوطه مذکور تا سالهای اخیر توسط ارتش مورد استفاده بوده و لذا از داده های سطحی بسیار کمی برخوردار است. حفر سنگر و کانال در دوران جنگ محوطه را شدیداً تخریب نموده و حتی در مواردی از سنگهای معماری به جای مانده، در ساخت سنگر نیز استفاده شده است. در قسمت شمالی که بیشترین تخریبات را نیز متحمل شده، ضخامت نهشته های فرهنگی بیشتر از بقیه بخشها بوده و به حدود ۲ متر می رسد. لازم به ذکر است که در یرش ناشی از تخریبات ایجاد شده، بقایای استخوان دیده می- شود. سفالهای به دست آمده دارای بافتی مشابه محوطه مجاور خود هستند، لذا احتمالاً هر دو مربوط به یک دوره زمانی باشند (شکلهای ۱۰-۹؛ جدولهای ۷-۶). بر روی یک نمونه بدنه، نقوش کنده به صورت خطوط موج مشهود است. سفالهای این محوطه شبیه نمونه های به دست آمده از قلعه یزگرد بوده (Keall & Keall, 1981) و بر این اساس می توانند مربوط به دوره اشکانی - ساسانی باشند.

ت) دوران اسلامی

متأسفانه طی بررسی هیچ گونه شواهد قابل توجهی از این دوره شناسایی نشد که بتوان به گاهنگاری آنها پرداخت. اما چهار محوطه شورشیرین قدیم (Mm001)، پاسگاه شورشیرین (Mm002)، شورآب I (Mm003) و شورآب II (Mm005) محوطه های فصلی و ارودگاههای مربوط به جوامع دامپرور کوچ نشین هستند. دو محوطه اول در منطقه شورشیرین قدیم و دو محوطه دوم در کناره شمالی رود شورآب قرار دارند. با توجه به فقدان یافته های شاخص در این محوطه ها، نمی توان گفت

چاله های بزرگ و کوچک که گاهی کاملاً تازه هستند، به چشم می خورد. از یافته ها فرهنگی محوطه، قطعات سفال نخودی و قرمز آجری بوده که به صورت چرخ ساز، با ماده چسباننده شن و گیاهی و اغلب ساده هستند. سفالهای با لبه های برگشته و کف های تخت از رایج ترین گونه سفالی محوطه هستند. بر روی برخی از قطعات سفالی، نوارهای افزوده طنابی (با فشار انگشت) وجود دارد؛ شایان ذکر است که تراکم سفالها در دامنه شرقی به مراتب بیشتر است. از جمله فرمهای سفالی خاص خمره های دهانه بسته در کنار کوزه ها است؛ سفالهای با کف نخ بُر نیز بر اساس شواهد قابل مقایسه با سفال های دوره عیلام قدیم در جنوب غربی ایران هستند (Carter, 1981; 1987). شاخص ترین گونه سفالی که می تواند مربوط به نیمه دوم هزاره سوم ق.م. باشد، نمونه های با لبه های برجسته و یک برجستگی در زیر لبه به شمار می روند (شکل ۸؛ جدول ۵)، که نمونه های مشابه آنها از کاوش های تپه فرخ آباد (Carter, 1981)، شوش (Carter, 1971; 1980) و بررسیهای دشت میاناب خوزستان (میری و زیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۹، شکل ۶) نیز شناسایی شده است. بنابراین تاریخ محوطه را می توان به دوران عیلام قدیم تا میانه (به احتمال بیشتر هزاره سوم ق.م.) منتسب کرد.

محوطه سراب سرنی (Sarab-e Sarnei) در حدود ۲۵۰ متری جنوب روستای سرنی، بر روی یک برجستگی قرار دارد؛ بر سطح این برجستگی، بقایای معماری لاشه سنگی پراکنده در ابعاد وسیع و با فاصله از هم وجود دارند؛ بررسی سطحی نشان می دهد تراکم صنایع سنگی، که اغلب تراشه ابزار و دور ریزند، بسیار بیشتر از سفال است. به طوری که تنها چند قطعه سفال قرمز ساده دست ساز با ماده چسباننده شن ریز شناسایی شد. برخی از سفالها دارای نقوش برجسته طنابی با فشار انگشت بر روی بدنه هستند، بطوریکه، شاید بتوان گفت که بقایای موجود بر سطح نشانگر استقرار تک دوره ای و کوتاه از دوره تاریخی (اشکانی؟) هستند.

محوطه های نیزار I و II در سرحد جنوبی منطقه داریکوان و در حدود ۲ کیلومتری جنوب کوه خلیفه در کناره شرقی و غربی نیزاری قبل از تنگه تپیکه بر روی یک برجستگی طبیعی و در کنار یک چشمه قرار دارند. شایان ذکر است که جاده دسترسی

جوامع سیار در گسترش فرهنگ ها، می توان نمود این موضوع را در میمک به عنوان حد فاصل مناطق پست و بلند در غرب ایرن مشاهده نمود، به طوری که امروزه این جوامع تنها ساکنان این منطقه بوده و صرفاً به واسطه محدودیت ناشی از مرز سیاسی نمی توانند الگوی جابجایی گذشته را داشته باشند. محوطه گذار خوش برخلاف محوطه های دوره عبید بر روی تپه ماهورها شکل گرفته است و بر این اساس احتمالاً از اهمیت واسطه ای بین مناطق پست و بلند در دوره آغاز نگارش برخوردار بوده است. در میان محوطه های دوره تاریخی، موقعیت، ارتفاع و اشراف محوطه پاسگاه دژبانی میمک و گذار خوش نسبت به پیرامون خود، احتمال کارکرد نظامی آنها را به ذهن متبادر می سازد. علیرغم اینکه سفالهای به دست آمده از محوطه مذکور هم افق با دوره عیلام قدیم تا میانه بوده، درباره اینکه منطقه میمک جزء حوزه سیاسی حکومت عیلام بوده، نمی توان چندان بحث به میان آورد؛ اما به هر حال باید توجه داشت که احتمالاً این منطقه در این دوره نقش مرز بین حکومت های اولیه بین النهرین و عیلام را ایفاء نماید. برخلاف انتظار مدارک چندان قوی از دوره های تاریخی اشکانی - ساسانی یافت نشده، هر چند سه محوطه به این دوران منتسب شده اند. هر چند برخی از بخش های منطقه به دلیل آلودگی و خطرات به جای مانده از جنگ قابل بررسی نبود، اما مدارک موجود نشان می دهند که احتمالاً میمک در دوره اسلامی تنها توسط جوامع دامپرور و کوچرو اشغال شده که امروزه نیز می توان این الگوی معیشتی را مطالعه کرد.

سپاسگزاری

نگارندگان از آقای مهندس اسکندری، مدیر محترم اداره کل سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، و آقای خانزادی، معاونت محترم وقت میراث فرهنگی استان و همکاران ایشان آقایان شنبه زاده، پیرانی، یاری و صیفی زاده و نیز خانم ارجمندی که زمینه انجام بررسی را فراهم نمودند، تقدیر و تشکر می نمایند.

که دقیقاً مربوط به چه دوره ای هستند اما نظر به اینکه هنوز برخی از پدیدارهای باقی مانده مانند اجاق، در سطح آشکار هستند، می توان آنها را به دوره های متأخر اسلامی منسوب کرد. طی بررسی این محوطه ها صنایع سنگی تراشه ابزار و سفالهای ساده نخودی و قرمز ریز یافت شده است. بقایای معماری لاشه سنگ که احتمالاً ساختارهایی مربوط به اردوگاه های قشلاقی دامپروران منطقه بوده اند، به صورت پراکنده در سطح محوطه قابل مشاهده است. بر اساس مطالعات قوم باستان شناسی این ویژگیها در سراسر منطقه خاور نزدیک به جوامع کوچرو و دامپرور منتسب شده اند (Cribb, 1991). محوطه های فوق بر دامنه یا روی تپه ماهورها شکل گرفته اند و الگوی شکل گیری آنها کاملاً شبیه استقرارهای امروزی جوامع عشایر منطقه است.

برآیند

به نظر می رسد دور افتادگی و مسائل سیاسی و نظامی باعث شده تا منطقه میمک تاکنون مورد توجه باستان شناسان قرار نگیرد، هرچند زمین سیمای منطقه (که اغلب متشکل از تپه ماهور است) نیز مزید بر علت شده است. این در حالی است که مناطق پیرامونی آن در ایران و عراق از نقطه نظر باستان شناسی مطالعه شده اند. اگر چه تعداد محوطه های شناسایی شده طی این بررسی چندان زیاد نیستند (شکل ۱۱؛ جدول ۸)، اما طی بررسی یافته های جالب توجهی به ویژه از دوره پیش از تاریخ به دست آمده است. محوطه های خرمیدان و تنگه تاریکه بیانگر یافته های از پارینه سنگی قدیم تا جدید (؟) هستند و یافته های سفالی محوطه گرچگا نشان از تداوم احتمالی استقرار از دوره سامرا تا عبید ۴ دارند. شایان ذکر است که به دلیل کمبود یافته ها و فقدان شواهد قوی از دوره های مذکور، اطلاعات بیشتر درباره استقرارهای سامرا، انتقالی چغامامی و عبید می تواند در نتیجه گمانه زنی در این محوطه به دست آید و به راستی محوطه ای بسیار مناسب جهت لایه نگاری و مطالعه توالی فرهنگی در منطقه است. با توجه به شرایط صعب العبور، به نظر می رسد بهترین راه ارتباطی بین دو منطقه مندلی و میمک از طریق بستر و مناطق پیرامونی نسبتاً مسطح دو رودخانه گذارخوش و تلخاب بوده که به مناطق پست عراق وارد می شوند و با توجه به نقش

منابع

الف) فارسی

بررسی و شناسایی دشت مهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶، فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان ایلام، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

سیف پناهی، مژگان، ۱۳۸۴، بررسی باستان‌شناسی صالح آباد، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۸، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد اول (تاریخ سیاسی)، تهران، نشر دانشگاهی.

میری، نگین، ۱۳۸۵، توصیف، طبقه بندی و گونه شناسی سفالهای عیلامی، در: بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، عباس مقدم (به کوشش)، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، صص ۱۴۲-۱۲۵.

نوکنده، جبرئیل، ۱۳۸۱، گزارش گمانه زنی تعیین حریم چغاگلان شهرستان مهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

هول، فرانک، ۱۳۸۱، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت.

افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۷۲، ایلام و تمدن دیرینه آن، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بیگری، فریدون و سامان حیدری، ۱۳۸۴، گزارش مقدماتی بررسی غار دواشکفت، یک مکان پارینه سنگی میانی در منطقه کرمانشاه، در: مجموعه مقالات موزه ملی ایران، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص ۲۴-۱۳.

خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی، ۱۳۸۳، توصیف، طبقه بندی و تحلیل گونه شناختی سفالهای دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه نشان (زنجان)، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمالغرب، مسعود آذرنوش (به کوشش)، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، صص ۲۴۸-۱۶۵.

خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی، ۱۳۸۵، توصیف، طبقه بندی و گونه شناسی سفالهای دوران سلوکی، اشکانی و ساسانی، در: بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، عباس مقدم (به کوشش)، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، صص ۷۰-۴۵.

خلیلیان، علی محمد، ۱۳۷۵، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایلام، گزارش

ب) غیرفارسی

Abdi, K., 2003, The early development of pastoralism in the central Zagros mountains, *Journal of world archaeology*, Vol. 17, pp. 95-448.

Andrefsky (JR), W., 1998, *Lithics: macroscopic approaches to analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.

Badler, V. R., 2002, A chronology of Uruk artifacts from Godin Tepe in central western Iran and implications for the inter-relationships between the local and foreign cultures, in: *Artifacts of Complexity: Tracking the Uruk in the Near East*, J.N. Postgate (ed.), Warminster, British School of Archaeology in Iraq: 7 9-109.

Bar-Yosef, O., & Goren-Inbar, N., 1993, *The lithic assemblage of Ubeidiya: a lower Paleolithic in the Jordan Valley*, Jerusalem: Institute of Archaeology, Hebrew University of Jerusalem.

Biglari, F., Nokandeh, G., & Heydari, S., 2000, Recent find of a possible lower Paleolithic assemblage from the foothills of the Zagros mountains, *Antiquity*, Vol. 74, pp. 749-750.

_____, & Shidrang, S., 2006, The lower Paleolithic occupation of Iran, *Near Eastern Archaeology*, Vol. 69, pp. 160-68.

Carter, E., 1971, *Elam in the Second Millennium B. C.: The Archaeological Evidence*, PhD Thesis,

University of Chicago.

Carter, E., 1980, Excavations in Ville Royale I at Susa: the third millennium BC occupation, Cahiers de la DAFI, Vol. 11, pp. 11° 134.

_____, 1981, Elamite ceramics, in: *An Early Town on the Deh Luran Plain: Excavations at Tepe Farukhabad*, Wright, H.T., (ed.), Ann Arbor: Memoirs of the Museum of Anthropology, University of Michigan, No. 13, pp. 196° 223.

_____, 1987, The Piedmont and the Pusht-i Kuh in the early third millennium BC, in: *Prehistoire de la Mesopotamie*, Huot, J.-L., (ed.), Paris: Editions du CNRS, pp. 73° 83.

Cribb, R., 1991, *Nomads in Archaeology*, Cambridge University Press.

Debenath, A., & Dibble, H. L., 1994, *Handbook of Paleolithic Typology: Lower and Middle Paleolithic of Europe*, Philadelphia, University Museum Press.

Delougaz, P., & Kantor, H. J., 1996, *Chogha Mish: The First Five Seasons of Excavations, 1961° 1971*. Edited by Abbas Alizadeh, Oriental Institute Publications 101, Chicago: The Oriental Institute.

Dibble, H. L., 1984, The Mousterian Industry from Bisitun Cave (Iran), *Paléorient*, Vol. 10, No. 2, pp. 23-34.

_____, & Holdaway, S.J., 1993, The Middle Paleolithic Industries of Warwasi, in: *The Paleolithic prehistory of the Zagros- Taurus*, Olszewski, D. I., & Dibble, H. L., (eds.), the university museum monograph 83, University museum symposium series, vol. V, University of Pennsylvania, pp. 75-99.

Haerinck, E., & Overlaet, B., 1996, *The Chalcolithic period Parchine and Haklan*, Luristan excavation document 1, Royal museum of art and history, Brussels.

Henrickson, E., 1985, The early development of pastoralism in the central Zagros highlands (Luristan), *Iranica Antiqua*, Vol. 20, pp. 1-42.

Keall, E. J. & Keall, M.J., 1981, The Qal'eh-i Yazdigird Pottery: A Statistical Approach, *IRAN*, Vol. 19, pp. 33-80.

Levine, L. D., 1975, Survey in the province of Kermanshahan, 1975: Mahidashat in the prehistoric and early historic periods, *proceeding of 4th annual symposium on archaeological research in Iran*, pp. 284-297.

_____, & Young, T. C. Jr., 1987, A summary of ceramic assemblages of the central western Zagros from the middle Neolithic to the late third millennium B.C. in: *Prehistoire de la Mesopotamie*, editions du centre national de la recherché scientifique, France, Paris, pp. 15-53.

McCormick, Adams, R. Jr., & Nissen, H., 1972, *The Uruk Countryside: Natural Setting of Urban Societies*, University of Chicago

Mortensen, P., 1993, Paleolithic and Epipaleolithic sites in the Hulailan valley, northern Luristan, in: *The Paleolithic prehistory of the Zagros- Taurus*, Olszewski, D. I., & Dibble, H. L., (eds.), the university museum monograph 83, University museum symposium series, vol. V, University of Pennsylvania, pp. 159-168.

Oates, J., 1987, The Chogha Mami Transitional, in: *Prehistoire de la Mesopotamie*, editions du centre national de la recherché scientifique, France, Paris, pp. 163-180.

Perkins, A. L., 1949, *The comparative archaeology of early Mesopotamia*, Studies in ancient oriental civilization, no. 25, The University of Chicago Press, Chicago.

Potts, D. T., 2009, Beveled-rim bowls and bakeries: Evidence and explanations from Iran and the Indo-Iranian borderlands, *Journal of Ceramic Studies*, Vol. 61, pp. 1-23.

Rolland, N., 2001, The Initial Peopling of Eurasia and the Early Occupation of Europe in Its Afro-Asian Context: Major Issues and Current Perspectives, in: *A Very Remote Period Indeed: Papers on the Paleolithic Presented to Derek Roe*, Milliken, S., & Cook, J., (eds.), pp. 78° 94, Oxford: Oxbow Books.

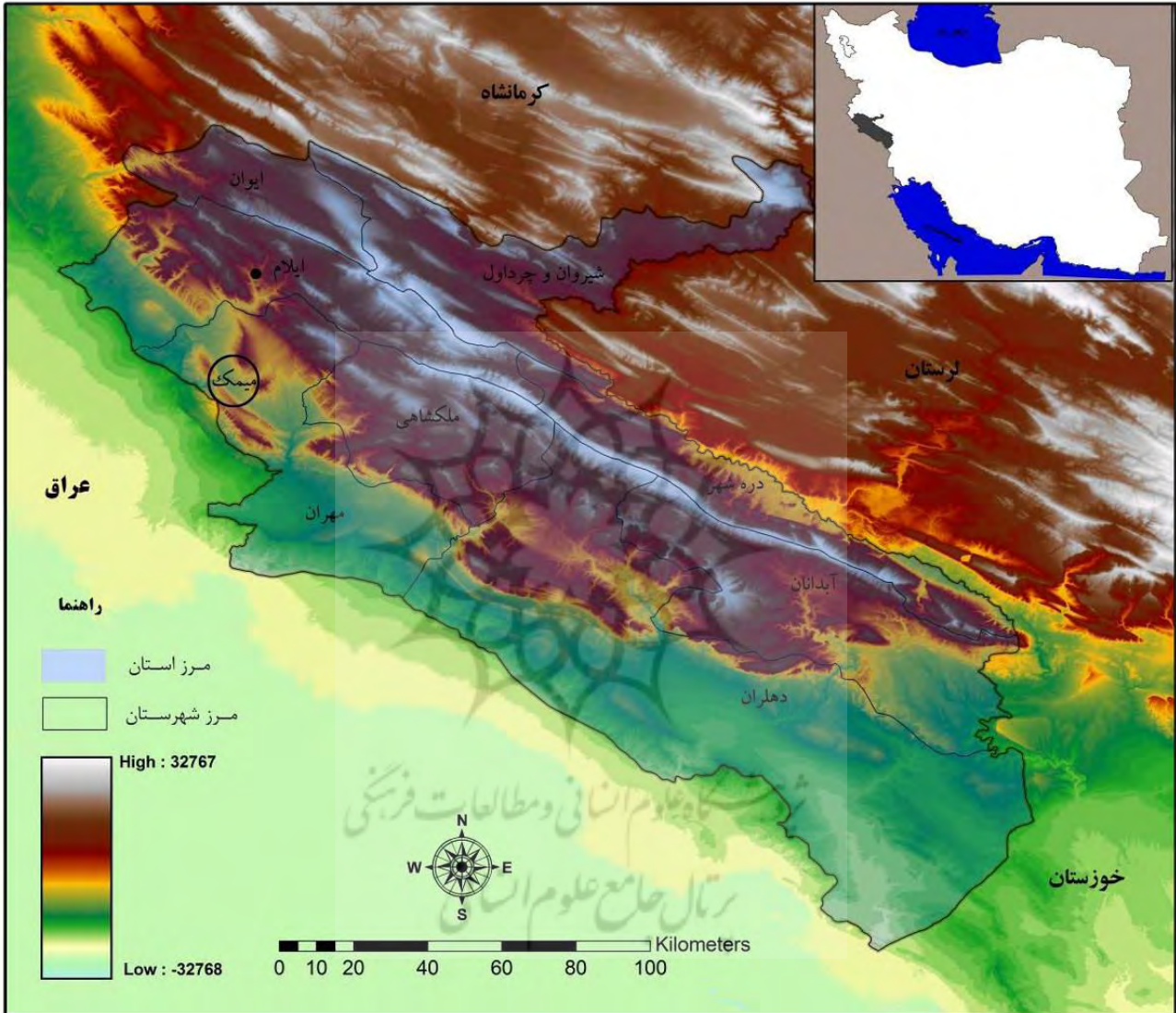
Solecki, R. L., 1985, A note on the dating of Choppers, Chopping tools, and related flake tool industries from South West Asia, *Paleorient*, Vol. 11/1, pp. 103-5.

Wilkinson, T. J., Monahan, B. H., & Tucker, D. J., 1996, Khanijdal East: A Small Ubaid Site in

Northern Iraq, *IRAQ*, Vol. 58, pp. 17-50.

Wright, H. T. Jr., 1981, *An early town on the Deh Luran plain: Excavation at Tepe Farukhabad*, memoir of the Museum of Anthropology, No.13, University of Michigan, Ann Arbor.

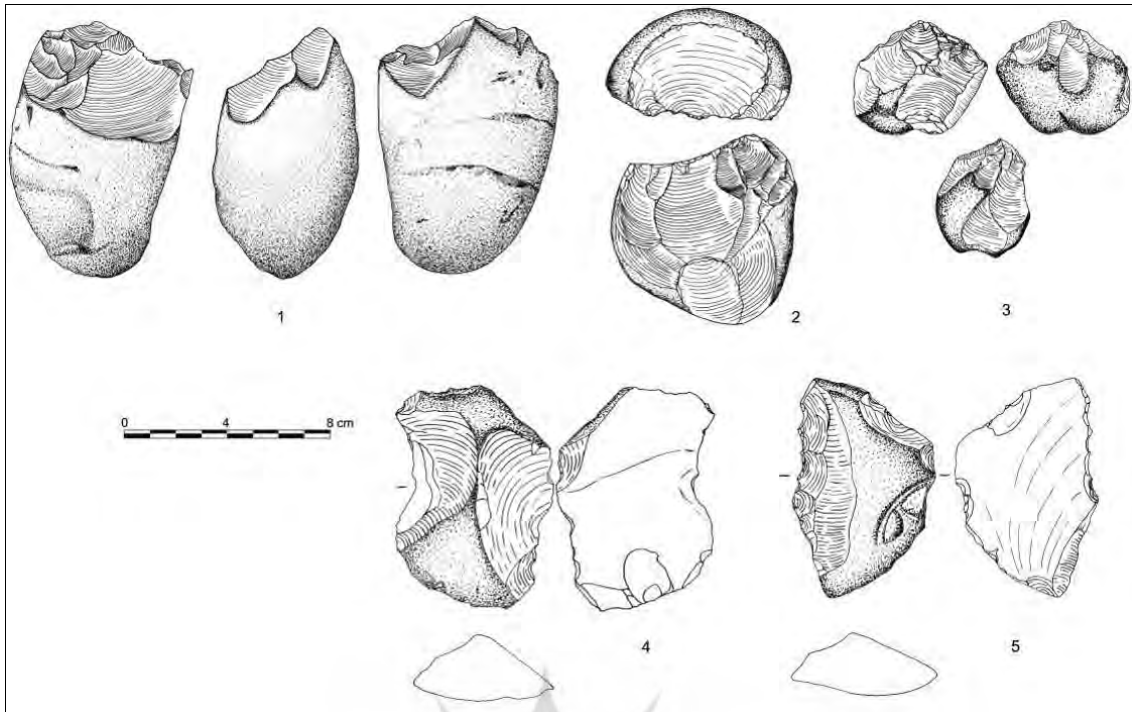
تصاویر



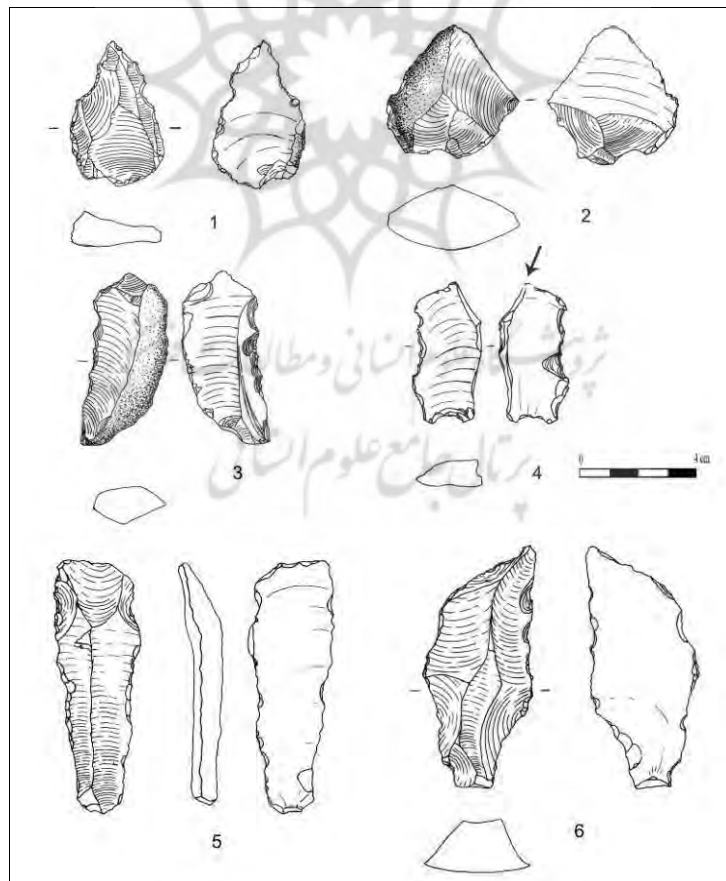
شکل ۱: موقعیت جغرافیایی منطقه میمک در استان ایلام.



تصویر ۱: نمایی کلی از محوطه خرمیدان (Mm008)، دید از شمالغرب.



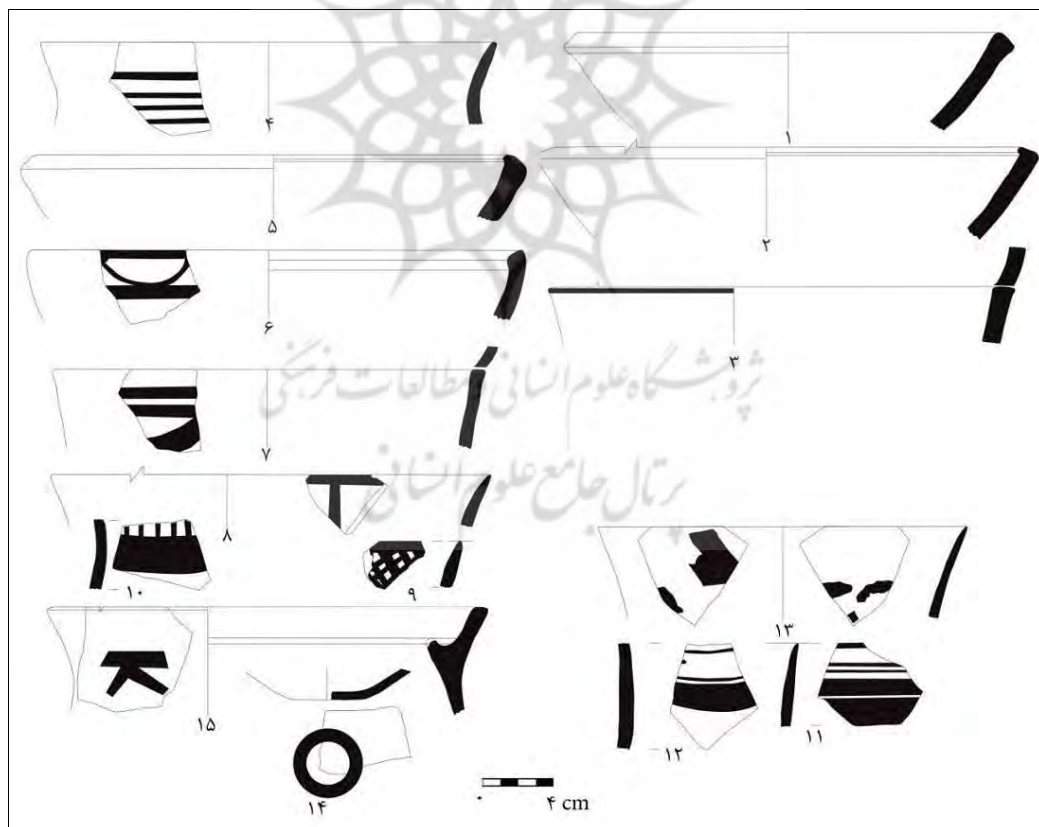
شکل ۲: نمونه صنایع سنگی محوطه خرمیدان (۱. ساطور ابزار ۲-۳. سنگ مادر ۴-۵. خراشنده جانبی).



شکل ۳: نمونه صنایع سنگی محوطه تنگه تاریکه (۱. سوراخ کننده ۲. تراشه لوالوایی ۳. خراشنده جانبی ۴. اسکنه ۵. تیغه ۶. تیزه لوالوایی).

جدول ۱: مشخصات سفالهای دوره سامرا به دست آمده از محوطه گلم زرد.

ردیف	محوطه	توصیف فنی (قطعه، رنگ، ساخت، بافت، پخت، ماده چسباننده، پوشش)	دوره	منبع
۱	Mm006	لبه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی	عیید (۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996
۲	Mm006	لبه، قرمز کمرنگ، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی	عیید (۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996
۳	Mm006	لبه، نخودی، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی	عیید (۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996
۴	Mm006	لبه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، ترکیبی، پوشش گلی	عیید (۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996
۵	Mm006	لبه، قرمز کمرنگ، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی	عیید (۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996
۶	Mm006	لبه، نخودی مایل به سبز کمرنگ، دست ساز، متوسط، زیاد، شن ریز، پوشش گلی	عیید (۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996: 27
۷	Mm006	لبه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی	عیید (۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996: 27
۸	Mm006	بدنه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش گلی	عیید (۲-۴)	-
۹	Mm006	لبه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی	سامرا	Perkins, 1949: 83, fig. 10, no.26
۱۰	Mm006	بدنه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی در داخل	سامرا	Oats & Oats, 1968, Pl: VII
۱۱	Mm006	لبه، قرمز، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، فاقد پوشش	عیید (۲-۴)	Perkins, 1949, Fig. 11
۱۲	Mm006	بدنه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، فاقد پوشش	عیید (۲-۴)	Perkins, 1949, Fig. 11
۱۳	Mm006	لبه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، فاقد پوشش	عیید (۲-۴)	Perkins, 1949, Fig. 11
۱۴	Mm006	کف، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید (۲-۴)	Perkins, 1949, Fig. 11
۱۵	Mm006	لبه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی	سامرا	Oats & Oats, 1968, Pl: VII



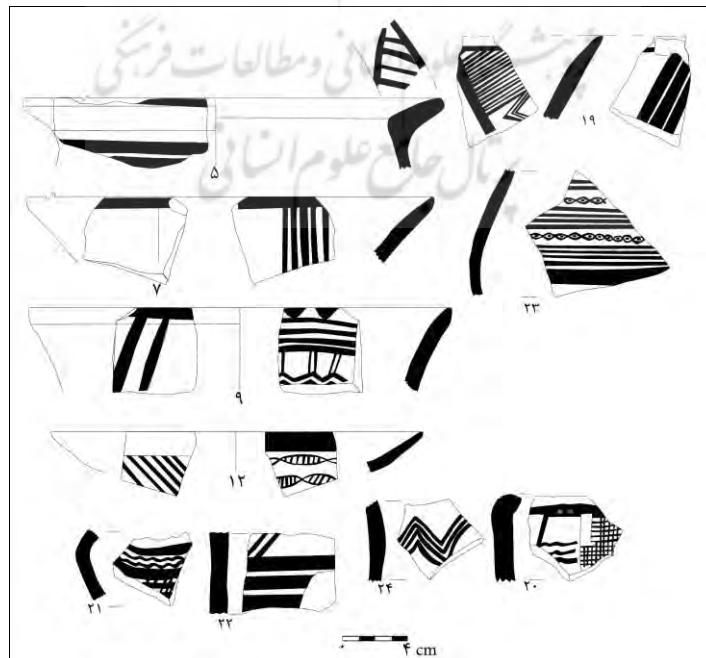
شکل ۴: نمونه سفال‌های محوطه گلم زرد، دوره سامرا (۹، ۱۵، ۱۰) و عیید (۴-۲، ۱۱-۱۴).



تصویر ۲: نمای کلی تپه گر چگا، دید از شمال.

جدول ۲: مشخصات سفالهای دوره سامرا و انتقالی چغامی به دست آمده از تپه گر چگا.

منبع	دوره	توصیف فنی (قطعه، رنگ، ساخت، بافت، پخت، ماده چسباننده، پوشش)	محوطه	ردیف
Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII	سامرا	لبه، نخودی، دست ساز، متوسط، زیاد، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۵
Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII	سامرا	لبه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۷
Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII	سامرا	لبه، نخودی مایل به سبز، دست ساز، متوسط، زیاد، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۹
Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII	سامرا	لبه، نخودی مایل به سبز، دست ساز، متوسط، زیاد، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۱۲
Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII	سامرا	بدنه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۱۹
Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII	سامرا	بدنه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۲۰
Hole, 1077, Pl:40; Oats & Oats, 1968, Pl: VIII	سامرا	بدنه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۲۱
Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII	سامرا	بدنه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۲۲
Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII; Hole, 1077, Pl:40	CMT	بدنه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۲۳
Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII; Hole 1077, Pl:40	سامرا	بدنه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	Mm007	۲۴



شکل ۵: نمونه سفال های منسوب به فرهنگ سامرا از محوطه Mm007 (شماره ۲۳ با نمونه های معرفی شده از دوره CMT دهلران قابل مقایسه است).

جدول ۳: مشخصات سفالهای دوره عیید ۴-۲ به دست آمده از تپه گر چگا.

ردیف	محوطه	توصیف فنی (قطعه، رنگ، ساخت، بافت، پخت، ماده چسباننده، پوشش)	دوره	منبع
۱	Mm007	لبه، نخودی مایل به سبز، دست ساز، متوسط، زیاد، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	Mallowan <i>et al.</i> , 1935:55,fig.33, no.2
۲	Mm007	لبه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	-
۳	Mm007	لبه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	Perkins, 1949, Fig. 11, No. 27
۴	Mm007	لبه، نخودی مایل به سبز، دست ساز، متوسط، زیاد، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	Perkins, 1949, Fig. 10, No. 21
۶	Mm007	لبه، نخودی، دست ساز، ظریف، زیاد، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	-
۸	Mm007	لبه، نخودی مایل به قرمز، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996: 27
۱۰	Mm007	لبه، نخودی مایل به سبز، دست ساز، متوسط، زیاد، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	-
۱۱	Mm007	لبه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	-
۱۳	Mm007	لبه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	-
۱۴	Mm007	لبه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996: 27
۱۵	Mm007	لبه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	-
۱۶	Mm007	لبه، قرمز، دست ساز، خشن، کافی، شن ریز و کاه، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	Wilkinson <i>et al.</i> , 1996: 27
۱۷	Mm007	لبه، نخودی مایل به قرمز کمرنگ، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	Perkins, 1949, Fig. 10, No. 21
۱۸	Mm007	بدنه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	Oats & Oats, 1968, Pl: VII, VIII
۲۵	Mm007	بدنه، نخودی، دست ساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	عیید(۲-۴)	Perkins, 1949, Fig. 11, No. 14



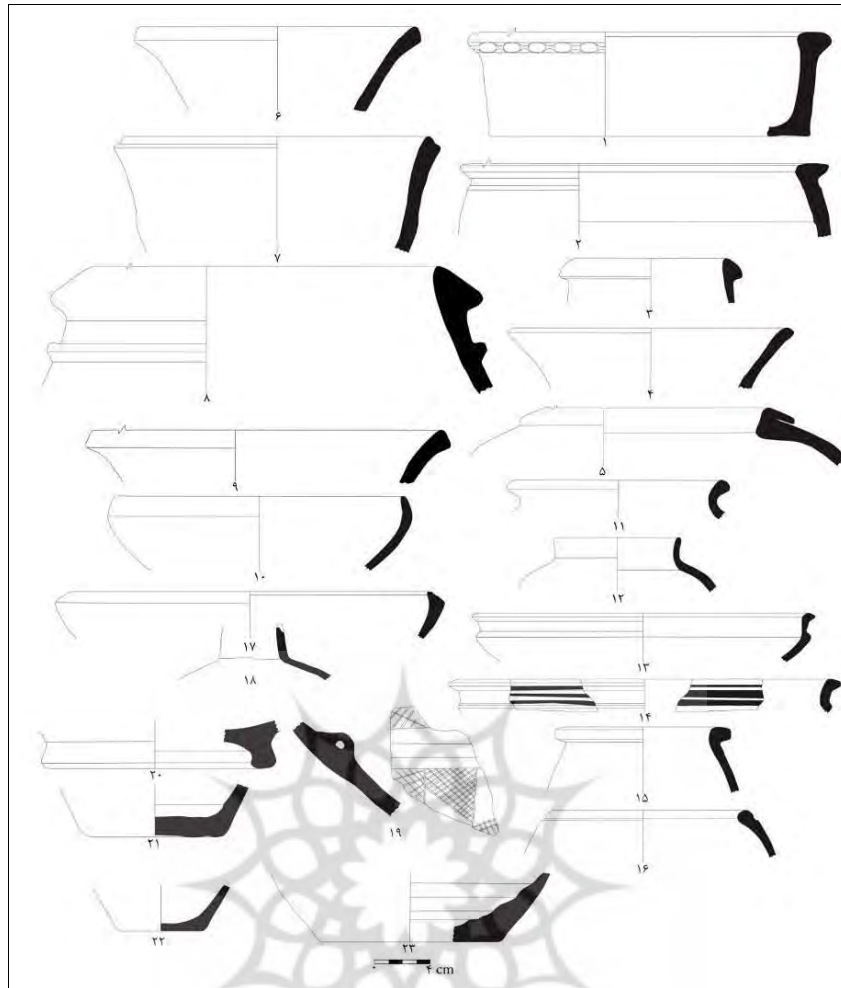
شکل ۶: نمونه سفال های منسوب به دوره عیید ۴-۲ از تپه گر چگا.



تصویر ۳: نمای کلی محوطه گدار خوش، دید از غرب.

جدول ۴: مشخصات سفالهای به دست آمده از محوطه گدار خوش (Mm010).

ردیف	محوطه	توصیف فنی (قطعه، رنگ، ساخت، بافت، پخت، ماده چسباننده، پوشش)	دوره	منبع
۱	Mm010	دارای لبه و کف، خاکستری روشن، دست ساز، خشن، ناکافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید	Delogaz & Kantor, 1996; Plate 86
۲	Mm010	لبه، قرمز کم‌رنگ، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	عیلام قدیم	Carter, 1981, 1980
۳	Mm010	لبه، نخودی، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	عیلام قدیم	Carter 1981, 1980
۴	Mm010	لبه، نخودی، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید	Delogaz & Kantor, 1996
۵	Mm010	لبه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید	Delogaz & Kantor, 1996
۶	Mm010	لبه، نخودی، دست ساز، خشن، کافی، شن درشت و مواد آلی، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید	Delogaz & Kantor, 1996; Plate 83
۷	Mm010	لبه، نخودی، دست ساز، خشن، کافی، شن درشت و مواد آلی، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید	Delogaz & Kantor, 1996; Plate 83
۸	Mm010	لبه، نخودی، چرخ ساز، خشن، کافی، مواد آلی، پوشش گلی غلیظ، نقش افزوده	عیلام قدیم	میری، ۱۳۸۵: ۱۲۹؛ شکل ۶، شماره ۱۰
۹	Mm010	لبه، نخودی، چرخ ساز، متوسط، ناکافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید	Delogaz & Kantor, 1996; Plate 83
۱۰	Mm010	لبه، قرمز، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید	Oates, 1985: 181, fig. 1, no. 5
۱۱	Mm010	لبه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	عیلام قدیم	Carter, 1981: 203, fig. 85
۱۲	Mm010	لبه، نخودی مایل به قرمز، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	عیلام قدیم	Carter, 1981: 203, fig. 84
۱۳	Mm010	لبه، نخودی، چرخ ساز، متوسط، ناکافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	عیلام قدیم	Carter, 1981: 203, fig. 84, no. b
۱۴	Mm010	لبه، قرمز، چرخ ساز، متوسط، ناکافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	عیلام قدیم	Carter, 1981: 203, fig. 84
۱۵	Mm010	لبه، نخودی، چرخ ساز، متوسط، زیاد، شن ریز، فاقد پوشش	عیلام قدیم	Carter, 1981: 203, fig. 84
۱۶	Mm010	لبه، نخودی مایل به قرمز، چرخ ساز، متوسط، زیاد، شن ریز، پوشش گلی غلیظ، نوار کنده زیر لبه در بیرون	عیلام قدیم	Carter, 1981, 1980
۱۷	Mm010	لبه، نخودی مایل به قرمز، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	عیلام قدیم	Carter, 1981, 1980
۱۸	Mm010	لوله، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید	Delogaz & Kantor, 1996; Plate 25
۱۹	Mm010	بدنه با دسته، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ نخودی در بیرون و قرمز در سطح داخلی، نقش کنده شبکه ای	اوروک جدید	Nokandeh, 2010: 506, fig. 11
۲۰	Mm010	کف، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	عیلام قدیم	Carter, 1981
۲۱	Mm010	کف، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید/جمدت نصر	-
۲۲	Mm010	کف، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اوروک جدید/جمدت نصر	-
۲۳	Mm010	کف، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	عیلام قدیم	Carter, 1981



شکل ۷: نمونه سفال‌های محوطه اوروک جدید / جمدت نصر (۷-۱۲، ۴-۹، ۱۹-۲۲، ۱۴-۲۱) و عیلام قدیم (۳-۱، ۸، ۱۷-۲۰، ۱۳، ۲۳) از محوطه گذار خوش.

جدول ۵: مشخصات سفالهای محوطه گذار خوش (Mm004).

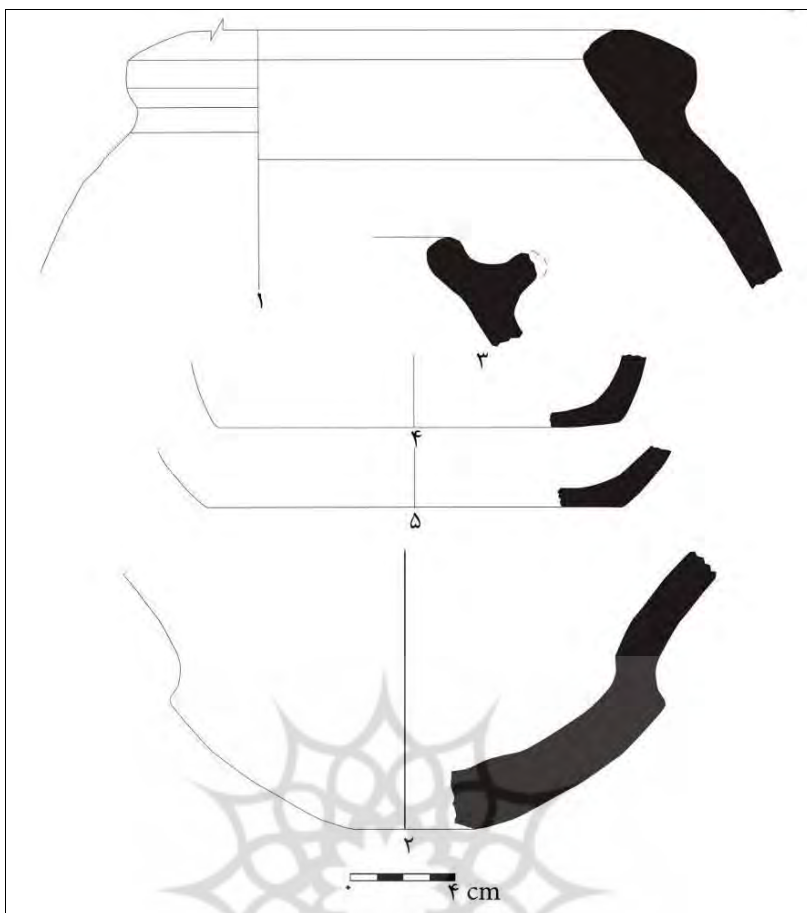
ردیف	محوطه	توصیف فنی (قطعه، رنگ، ساخت، بافت، پخت، ماده چسباننده، پوشش)	ملاحظات	دوره	منبع
۱	Mm004	لبه، نخودی، چرخساز، متوسط، کافی، ترکیبی، پوشش غلیظ گلی	-	عیلام قدیم	Carter, 1981: 207; fig. 86, no. c
۲	Mm004	لبه، نخودی، چرخساز، متوسط، کافی، ترکیبی، پوشش غلیظ گلی	-	عیلام قدیم	Carter, 1981: 211; fig. 86, no. e
۳	Mm004	لبه، نخودی، چرخساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	-	عیلام قدیم	Carter, 1981: 210; fig. 88, no. a
۴	Mm004	لبه، قرمز آجری، چرخساز، ظریف، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	ذرات آهک	عیلام میانه	-
۵	Mm004	لبه، نخودی، چرخساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	-	عیلام میانه	-
۶	Mm004	لبه، نخودی، چرخساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	رسوب در داخل	عیلام قدیم	Carter, 1981: 210; fig. 88, no. j
۷	Mm004	لبه، نخودی، چرخساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	-	عیلام قدیم	Carter, 1981: 207; fig. 86, no. c
۸	Mm004	لبه، قرمز آجری، چرخساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	-	عیلام میانه	Carter, 1971: 379; fig. 27, no. 10
۹	Mm004	بدنه، نخودی، چرخساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	-	عیلام میانه	Carter, 1971: 379; fig. 27, no. 9
۱۰	Mm004	کف، نخودی، چرخساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	-	عیلام قدیم	Carter 1981: 210; fig. 88, no. g
۱۱	Mm004	کف، نخودی، چرخساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش غلیظ گلی	-	عیلام قدیم	Carter 1981: 210; fig. 88, no. f



شکل ۸: نمونه سفال‌های منسوب به عیلام قدیم و میانه از محوطه پاسگاه دژبانی میمک (Mm004).

جدول ۶: مشخصات سفالهای به دست آمده از محوطه نینزار I (Mm012).

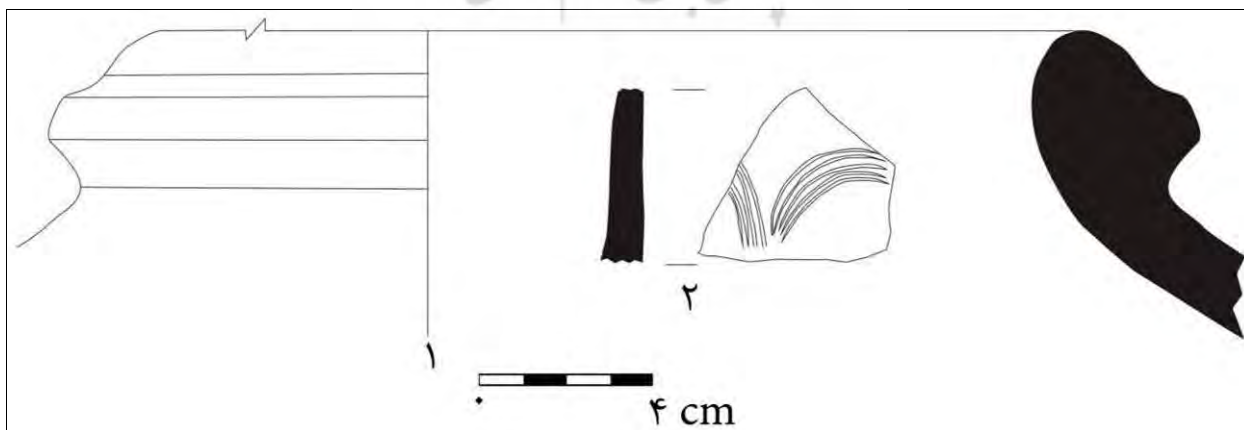
ردیف	محوطه	توصیف فنی (قطعه، رنگ، ساخت، بافت، پخت، ماده چسباننده، پوشش)	دوره	منبع
۱	Mm012	لبه، نخودی، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن، پوشش گلی غلیظ	اشکانی	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۵: ۲۲۵؛ شکل ۴۲
۲	Mm012	بدنه، نخودی، دست ساز، متوسط، کافی، شن درشت، پوشش گلی غلیظ	اشکانی	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۵: ۵۶؛ طرح ۳، شماره ۲)
۳	Mm012	لبه، نخودی، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن، پوشش گلی غلیظ	اشکانی	Keall & Keall, 1981: 46; fig. 10, no. 13
۴	Mm012	کف، قرمز آجری، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اشکانی؟	-
۵	Mm012	کف، قرمز آجری، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ	اشکانی	-



شکل ۹: نمونه سفال‌های منسوب به اشکانی از محوطه نیزار I (Mm012).

جدول ۷: مشخصات سفال‌های به دست آمده از محوطه نیزار II (Mm013).

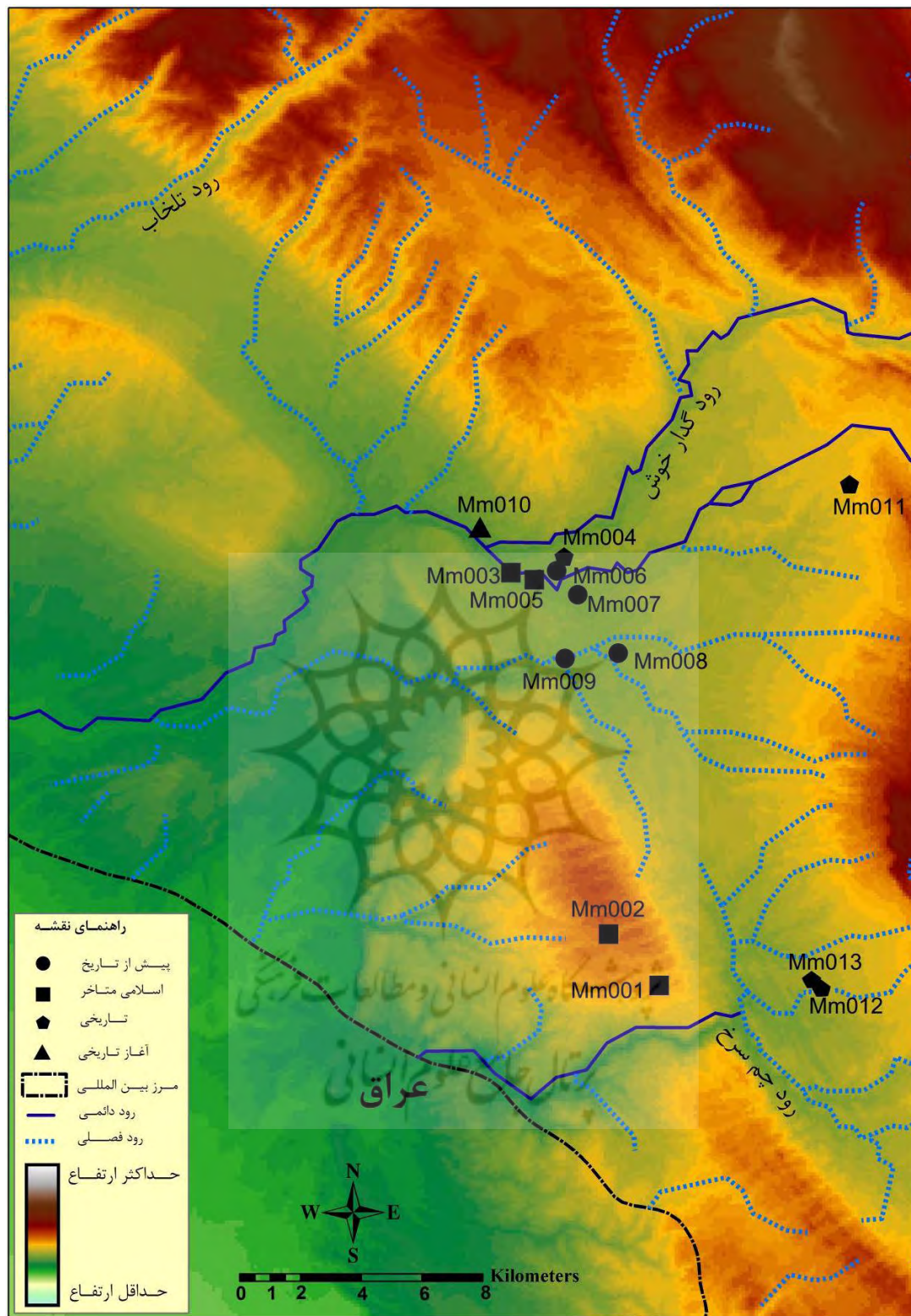
منبع	دوره	توصیف فنی (قطعه، رنگ، ساخت، بافت، پخت، ماده چسباننده، پوشش)	محوطه	ردیف
Keall & Keall, 1981:46; fig. 9, no. 6	اشکانی	لبه، نخودی مایل به قرمز، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن، پوشش گلی غلیظ	Mm013	۱
Keall & Keall, 1981:54; fig. 26	اشکانی	بدنه، نخودی، چرخ ساز، متوسط، کافی، شن ریز، پوشش گلی غلیظ، نقش کنده شانه ای	Mm013	۲



شکل ۱۰: نمونه سفال‌های منسوب به اشکانی از محوطه نیزار II (Mm013).

جدول ۸: مشخصات کلی محوطه های شناسایی شده در بررسی.

ردیف	کد	نام محوطه	طول	عرض	ارتفاع	نوع محوطه	دوره فرهنگی
1	MM001	شور شیرین قدیم	598312	3699840	619	محوطه باز	اسلامی متأخر
2	MM002	پاسگاه شور شیرین قدیم	597076	3701308	706	محوطه باز	اسلامی متأخر
3	MM003	شور آب I	594619	3711688	378	محوطه باز	اسلامی متأخر
4	MM004	پاسگاه دژبانی میمک	595897	3712166	425	تپه	عیلام قدیم-میانه
5	MM005	شور آب II	595185	3711493	388	محوطه باز	اسلامی متأخر
6	MM006	گلم زرد	595724	3711755	399	محوطه باز	سامرا - عیید ۴-۲
7	MM007	گره چگا	596235	3711070	395	تپه	سامرا- انتقالی چغامامی - عیید ۴-۲
8	MM008	خرمیدان	597228	3709401	425	محوطه باز	پارینه سنگی قدیم
9	MM009	تنگه تاریکه	595950	3709230	402	محوطه باز	پارینه سنگی میانی- جدید
10	MM010	گدار خوش	593861	3712999	363	تپه	اوروک جدید-عیلام قدیم
11	MM011	سراب سرنی	602749	3714320	595	محوطه باز	اشکانی؟
12	MM012	نیزار I	602018	3699914	502	محوطه باز	اشکانی
13	MM013	نیزار II	602018	3700029	494	تپه	اشکانی



شکل ۱۱: نقشه پراکنده‌گی جغرافیایی محوطه های شناسایی شده